

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

امین سیماب

۱۰/۱۲/۲۷

مصاحبه ۶ جدی ۱۳۸۹

سؤال:

کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ و اشغال نظامی افغانستان توسط سوسیال امپریالیزم شوروی در ۶ جدی ۱۳۵۸ سرآغاز همه خونریزی ها و برپادی ها درکشور عزیز ما افغانستان بوده است. بعد از اضمحلال سوسیال امپریالیزم شوروی و سقوط دولت دست نشانده آن ، خلقی ها و پرچمی ها چند بار جامعه عوض نموده و مرتکب خیانت ها و وطنفروشی های بیشتر شده اند. به نظر شما آیا گذشت زمان در راستای منافع مردم حرکت می کند و یا به نفع وطنفروشان خلقی - پرچمی و در جهت مصونیت بیشتر و نجات آنها در پهلوی وطنفروشان امروزی؟

- اگر در پاسخ شما ، به منظور سمت دهی بحث به آن یا نی جواب بدهم ، بایست بگویم که متأسفانه حقیقت تلخ تا حال مصون ماندن وطنفروشان خلقی - پرچمی از محاکمه و مجازات مردمی بوده است که دلایل آشکار خود را دارند. ولی زمانیکه به عمق مسأله ملتفت شویم ، ای بازی زمان به نفع آنها فقط ظاهر مسأله است که در دوام این مصاحبه کوشش خواهم کرد تا بر آن روشنی بیندازم.

- موجودیت وطنفروشان خلقی - پرچمی چه به شکل فعال و چه به شکل غیر فعال آن در داخل کشور ویا در ممالکی که در آنجا پناهنده شده اند ، واقعاً یک معضله سیاسی و اجتماعی است که به دلیل خیانت های پیهم مقاومت رسمی ضد روس و بعداً اشغال افغانستان توسط قوای امریکا و متحدین ، برخورد قاطع با آن صورت نگرفته است. - وطنفروشان خلقی - پرچمی در داخل کشور مانع بزرگی در راه احیای حسن اعتماد بین مردم و همکاری فعال در جهت بسیج شان علیه قوای اشغالگرمی باشد. به همین ترتیب موجودیت شان به عنوان گویا پناهنده سیاسی ، مانع بزرگ دیگری در برابر نزدیکی افغان های مهاجر و تثبیت هویت شان به عنوان کتله ای از یک ملت در ساحات فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی می باشد.

- خلقی - پرچمی ها همانطوری که در سؤال شما آمده است ، چندین بار جامعه عوض کرده اند که با «آشتی ملی» خود ساخته خود به آن آغاز کرده ، متعاقب به قدرت رسیدن جنگ سالاران ، خود با تمام دستگاه دولتی و استخبارات در خدمت ارتجاع رقیب قرار گرفتند ؛ و امروز با خدمت صادقانه به استعمار رقیب شوروی دیروز و راهیابی دوباره به مقام های بالای رسمی و دولتی ، فصل دیگری از وطنفروشی و خیانت به مردم مظلوم افغانستان را آغاز نموده اند.

- این همه تلاش وطنفروشان خلقی - پرچمی جهت گریز از جوابدهی به جنایات عظیمی است که موبر اندام راست می کنند. آنها برای رسیدن به هدف ، بر خصوصیت فرسایشی گذشت زمان و تأثیرات نسیان حساب می کنند و همزمان به چند وسیله متوسل شده اند:

یکی متبازساختن حتی المقدور روابط و شناخت های شخصی ، به خصوص علایق خانوادگی و خونی با افراد غیرحزبی ، پاکدامن و خوشنام تا آلودگی خود را درخوشنامی آنده به زعم خود پنهان بسازند. دیگر ، همدستی با بقایای مقاومت رسمی دیروز و بهره مندی از همکاری و پشتیبانی آنها و مهم تر از همه ، امروز خود را زیر حمایت مستقیم قدرت های غربی قرار دادن در افغانستان

با تمام این تلاش ها ، وطنفروشان خلقی - پرچمی کورخوانده اند و این واقعیت را دست کم می گیرند که خیانت مضاعف و مکرر و تداوم جنایت در حق مردم ، به عوض تضعیف روحیه دادخواهی و انتقام ، عکس آن را تشدید نموده و روزنه های نجات وطنفروشان را از خشم مردم تنگتر و تنگتر می سازد. ولی محرک تشدید روحیه دادخواهی و رسیدن به عدالت واقعی به نفع مردم ، فعالیت پیگیر در جهت شعله ور نگه داشتن آن است که فعالیت هایی از قبیل محکومیت تجاوز و استعمار در سالواره هایی از نوع امروز و اشکال متنوع مبارزه به ضد وطنفروشان نمونه های آن است.

برمی گردم به معضله بودن موجودیت وطنفروشان خلقی - پرچمی در جامعه ما. این ها چه پسیف و غیرفعال باشند و یا مصروف خیانت فعال و همدستی در جنایات امروزی در افغانستان ، در هر دو صورت برای ملت و آینده کشور مضر هستند.

در حالت غیرفعال، این ها حیثیت جراثیمی را دارند که هر آن سلامت وجود ملت را تهدید نموده و تولید مرض می نمایند ؛ و در صورت فعال بودن - همانطوری که در دستگاه دولتی و اردوی فعلی در افغانستان شاهد آن بوده ایم - در و خیم ساختن امراضی که ملت از چند دهه با آن دست و گریبان است، عمل می کنند.

با همه اینها ، حل نسبی معضله نا ممکن نیست. گرچه نظریک فرد نمی تواند حتماً ممتل اراده مجموع یک ملت و جانشین حکم آنها باشد مگر آنچه را من می خواهم در اینجا به آن اشاره کنم ، از افکار و برداشت های دقیق چند تن از بزرگان دانشمند مقاومت ملی - دموکراتیک و انقلابی کشور ملهم است. بدین معنی که حساب صفوف و افراد عادی حزب بدنام «دموکراتیک خلق افغانستان» را از کادرهای دست اول یعنی مقامات تصمیم گیری و نهادهای امنیتی دولت دست نشانده روس چون دستگاههای استخباراتی «اکسا» ، «خاد» ، داخله و دفاع جدا می سازند.

البته فوراً باید قید نمود که طرح مسأله به مفهوم برائت بی چون و چرای صفوف خلقی - پرچمی ها نیست و نه هم کوچکترین انگیزه عاطفی و ترحم در بین است. بلکه هدف ، قرار دادن صفوف پائین حزب خلق - پرچم در برابر مسئولیت وجدانی شان در مقطع زمانی حاضر و استفاده از آن به نفع مردم است. و آنها فقط در صورتی واجد شرایط آن خواهند شد که:

یک - شاکی خصوصی نداشته باشند : یعنی برمال و ناموس مردم تجاوز ننموده و گزارشات شان به دولت مزبور موجب حبس ، شکنجه و اعدام کسی و یا ضرر به خانواده و بستگان وی نشده باشد.

دو- برخورد انتقادی از خود داشته و در عمل ندامت خود را از گذشته خود در بستر مبارزاتی امروز به اثبات رسانند.

سه - به افشای کامل هر آنچه خیانت و جنایتی را که شاهد بوده اند با اسمای مسؤولین آن کتباً پرداخته و آن را به رسانه های ملی - انقلابی من جمله سایت های انترنیتی بفرستند.

باز هم تکرار می نمایم که موضوع عفو و بخشایش منظور نظر من نبوده بلکه این فقط در بستر مبارزاتی کنونی است که صفوف «نالوده» «حزب دموکراتیک خلق» می توانند به احیای شخصیت خود دست یافته و جبران گذشته خود را ممکن سازند.